

پاراگراف اول

پاراگراف اول؛ آیا «سينماي يواشكي» توانسته سينماي مجوزدار را عقب براند؟

محمد ضرغامی

۱۴۰۵/۰۷/۰۷ خرداد



عبدالرضا کاهانی فیلمساز و کاوه فرنام تهیه‌کننده سینما

مثل بسیاری از دوگانه‌هایی که جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران به آن دامن زده، سینمای ایران نیز دویاره شده است.

از یک سو سینمای رسمی قرار دارد؛ سینمایی کم‌رمق و پرهزینه که حتی پیش از جنگ نیز به تدریج از سبد فرهنگی بسیاری از خانواده‌های ایرانی کنار گذاشته شده بود و امروز با اقتصاد فرسوده و جامعه‌ای تحت فشار بحران معیشت و ناامنی، چشم‌انداز روشنی برای آن تصور نمی‌شود.

در سوی دیگر، سینمایی شکل گرفته که ریشه‌های آن به‌طور خاص اعتراض‌های ۱۴۰۱ و جنبش «زن زندگی آزادی» بازمی‌گردد؛ سینمایی که سینماگران‌ش آشکارا در برابر سیاست‌های رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازوکار سانسور ایستادند و اعلام کردند بدون مجوز هم می‌توان فیلم ساخت.

این جریان که در فضای عمومی با عنوان «سینمای زیرزمینی» شناخته می‌شود، به نوعی بازگشت تصویری است که پس از انقلاب از پرده سینما حذف شده بود. برای اولین بار پس از دهه‌ها، تماشاگر ایرانی می‌تواند زنان هنرپیشه را بی‌حجاب بر پرده سینما ببیند.

اما تفاوت این سینما تنها در ظاهر نیست. به تدریج زبان و دستور سیاسی مستقل خود را نیز شکل داده است؛ زبانی صریح، انتقادی و گاه تند که می‌کوشد مرز روشنی میان خود و سینمای مجوزدار ترسیم کند.

با این حال پرسش اصلی همچنان باقی است: آیا این «سینمای زیرزمینی» توانسته همان تأثیری را بر سینما بگذارد که موسیقی زیرزمینی پیش‌تر بر موسیقی رسمی گذاشت؟ آیا توانسته ذائقه مخاطب را تغییر دهد، سانسور را به عقب براند و به یک جریان اثرگذار تبدیل شود، یا هنوز بیشتر در حد یک کنش اعتراضی باقی مانده است تا یک بدیل واقعی؟

در برنامه رادیویی «پاراگراف اول»، کاوه فرنام، تهیه‌کننده سینمای مستقل از پراگ، به همراه عبدالرضا کاهانی، فیلمساز از تورنتو، درباره شکاف‌های سیاسی و اجتماعی، بازتاب آن بر سینمای رسمی و غیررسمی به بحث پرداختند.



↓ لینک مستقیم ✓

↗ بازکردن در پنجره جدید

سینمای زیرزمینی؛ ساده‌سازی بحرانی اجتماعی

کاوه فرنام، تهیه‌کننده سینمای مستقل که در کن ۱۴۰۵ با مستند «تمرین‌هایی برای یک انقلاب» ساخته پگاه آهنگرانی، بازیگر و فیلمساز، جایزه چشم طلایی این جشنواره را دریافت کرد، با تغییر صورت‌بندی رایج این روزها از سینمای ایران به دو قطبی «سینمای رسمی و سینمای زیرزمینی» می‌گوید: اساساً جامعه ایران «چندقطبی» شده است؛ چندقطبی‌ای که نه‌تنها همزیستی ندارد، بلکه به سمت عدم تحمل متقابل پیش می‌رود.

به اعتقاد آقای فرنام، خلاصه کردن ماجرا در قالب سینمای مجوزدار و غیرمجوزدار، ساده‌سازی واقعیت است. او ضمن مخالفت با عبارت «سینمای زیرزمینی» می‌گوید: سینما چیزی نیست که زیر زمین برود؛ سینما ذاتاً به فضا، خیابان و زیست اجتماعی وابسته است و حتی اگر تولید در فضای بسته انجام شود، باز هم از این منطق جدا نیست.

کاوه فرنام بحران کنونی سینمای ایران را صرفاً برآمده از مجوز و سانسور نمی‌داند و معتقد است فضای به‌گفته او ناسالمی میان جریان‌های مختلف سینمای ایران شکل گرفته است؛ فضایی که او آن را حاصل «اختلاف، اتهام، حذف و بی‌اعتمادی» می‌داند.

سینمای بی‌تناسب

عبدالرضا کاهانی، کارگردانی که اخیراً پس از حدود یک دهه مهاجرت به خارج از ایران، آخرین اثرش «مرده‌شور» با بازی «گلا»، خواننده ایرانی مقیم لندن، برنده جشنواره ادینبورگ شد، بحران سینمای ایران را فاصله میان سینما و زندگی واقعی مردم می‌داند.

او می‌گوید دلیل اصلی دور شدن مردم از سینما نه گرانی بلیت است و نه بحران اقتصادی، بلکه این است که تماشاگر دیگر خودش را روی پرده نمی‌بیند و فیلم‌هایی به خورد مردم داده می‌شوند که هیچ نسبتی با واقعیت اجتماعی ندارند.

آقای کاهانی با رد مقایسهٔ ایران با کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی که در آن‌ها انبوهی از فیلم‌های سینمای جهان نمایش داده می‌شود که لزوماً ارتباطی با آن کشورها ندارد، معتقد است در سینمای ایران وضعیتی حاکم شده که امکان نمایش زندگی واقعی مردم را از فیلمساز گرفته و نتیجه‌اش رانده شدن فیلمسازان به سمت ساختن فیلم‌های «دم‌دستی و بی‌خطر» است.

عبدالرضا کاهانی با بازگشت به نقد کاوه فرنام دربارهٔ عبارت رایج «سینمای زیرزمینی» می‌گوید که تا این لحظه هیچ‌گاه به اشتباه بودن این اصطلاح فکر نکرده بود.

آقای کاهانی می‌گوید که اکنون فکر می‌کند مهم‌ترین فیلم‌های سینمای ایران همین فیلم‌های زیرزمینی‌اند؛ فیلم‌هایی که به‌گفتهٔ او بیرون از ساختار رسمی زندگی واقعی را نشان می‌دهند، اما مردم داخل ایران عملاً امکان دیدن‌شان را ندارند و این فیلم‌ها ناچارند مخاطب خود را در خارج از کشور پیدا کنند.

به‌گفتهٔ او، مسئله فقط داستان یا شخصیت نیست؛ مسئله خودِ ثبت واقعیت است؛ چیزی که کارگردان فیلم «اسب حیوان نجیبی است» برای آن از اصطلاح «سینمای یواشکی» در برابر «سینمای زیرزمینی» استفاده می‌کند.

«زنده‌باد فیلم‌های یواشکی»

کاوه فرنام با فاصله گرفتن از سازوکارهای شکلی سینمای رسمی ایران مانند مجوز گرفتن برای تولید فیلم، مسئله اصلی در این سینما را «حذف تفکر» می‌داند. او می‌گوید حکومت با هر چیزی کنار می‌آید، مگر با تفکر. حتی ممکن است نمایش بعضی روابط یا تصاویر روی پرده تحمل شود، اما چیزی که تحمل نمی‌شود، «اندیشیدن» است.

به باور تهیه‌کنندهٔ فیلم‌های «کشتزارهای سپید» و «لرد» به کارگردانی محمد رسول‌اف، هر چیزی که به‌خودی‌خود تفکر تولید کند، سانسور می‌شود. از این رو او پیشنهاد می‌کند عبارت «سینمای متفکر و سینمای غیرمتفکر» جایگزین سینمای رسمی و غیررسمی شود.

با بازگشایی سینماها پس از جنگ ۴۰ روزه، فیلم سینمایی «تهران، کنارت» ساختهٔ علی بهراد که در سه سال گذشته نتوانسته بود مجوز نمایش دریافت کند، به روی پرده رفت و با استقبال مخاطبان سینمارو مواجه شد.

این فیلم تصویری متفاوت از تهران و طبقه‌ای از پایتخت‌نشینان ارائه می‌دهد و در سال ۱۴۰۴ در بخش جنبی جشنوارهٔ کارلووی‌واری نیز حضور داشت.

با وجود دریافت مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، این فیلم با فشار اصول‌گرایان تندرو از سوی قوه قضائیهٔ جمهوری اسلامی با تهدید تشکیل پرونده مواجه شده است.

عبدالرضا کاهانی در مورد اتفاق‌هایی از این دست که برای یکی از آخرین فیلم‌هایش در ایران، «ارادتمند؛ نازنین، بهاره، تینا» رخ داد، می‌گوید در عمل هیچ قانون ثابتی وجود ندارد و هر فیلمساز با قواعد مخصوص خودش مواجه است.

به‌گفتهٔ این فیلمساز، یک‌بار فیلم مجوز می‌گیرد اما با نیروی انتظامی مشکل پیدا می‌کند، بار دیگر حوزه هنری مانع نمایش می‌شود. بخشی از سالن‌ها در اختیار یک نهاد است و بخشی دیگر در اختیار نهادی دیگر. نتیجه، وضعیتی است که او آن را «عجیب‌وغریب» توصیف می‌کند.

به باور کارگردان فیلم «هیچ»، همان‌طور که تغییرات اجتماعی در ایران «یواشکی» رخ می‌دهد، بخش مهمی از سینمای امروز نیز یواشکی ساخته می‌شود؛ با کمترین امکانات، بدون امنیت شغلی و با خطر دائمی برای بازیگران و عوامل.

او می‌گوید: این فیلم‌ها فیلم‌های یواشکی‌اند.

از ایفما تا جدایی؛ اختلاف بر سر ماهیت کانون فیلمسازان مستقل

کاوه فرنام از بنیان‌گذاران کانون فیلمسازان مستقل ایران (ایفما) است که به‌تازگی از این نهاد صنفی جدا شده است. او درباره دلایل جدایی خود از این مجموعه، به نفوذ آن‌چه جریان‌های «سلطنت‌طلب» در ساختار کانون می‌نامد اشاره کرده و می‌گوید این مسئله موجب شد ایفما از هدف اولیه‌اش دور شود.

به‌گفته این تهیه‌کننده سینمای مستقل، چون ساختار صنفی واقعی در تبعید و پراکندگی جغرافیایی عملاً دشوار بود، کانون آرام‌آرام به سمت موضع‌گیری سیاسی رفت. نیروهای اجرایی غیرسینمایی وارد شدند و در نهایت آن چیزی که قرار بود یک تشکل صنفی باشد، گرفتار شکاف‌های سیاسی شد.

عبدالرضا کاهانی نفس وجود کانون فیلمسازان مستقل ایران را مهم می‌داند و معتقد است همین که درباره کانون صحبت می‌شود و بخشی از جریان رسمی سینما نسبت به آن حساسیت دارد، یعنی این حرکت بی‌اثر نبوده است.

کاوه فرنام می‌گوید از واژه «نجات دادن سینما» می‌ترسد، چون به‌گفته او وقتی می‌گوییم نجات، «انگار دوباره قرار است از یک کشور دیگر بیایند ما را نجات بدهند».

سینما «نجات» نمی‌خواهد، «آزادی» می‌خواهد

آقای فرنام معتقد است سینما نجات نمی‌خواهد. او می‌گوید بارها گفته است: «لطفاً ما را مس کنید. کمک نکنید. کاری با ما نداشته باشید. اگر کمک نکنید، سینما راه خودش را پیدا می‌کند.»

عبدالرضا کاهانی نیز در پایان می‌گوید خوشحال می‌شود آدم‌ها بتوانند کار کنند، پول دربیاورند، نفس بکشند و آزادی داشته باشند. به‌گفته او، این‌ها چیزهایی است که در حال حاضر در سینمای ایران وجود ندارد.

او با تأکید بر مسئله بقای سینما و ارتزاق عوامل آن می‌گوید: ما که دوریم، نمی‌توانیم برای کسانی که داخل زندگی می‌کنند نسخه بپیچیم.

پاسخ «ایفما» به اظهارات کاوه فرنام

کانون فیلمسازان مستقل ایران (ایفما) پس از پخش این این برنامه توضیحاتی را در ارتباط با سخنان یکی از مهمانان برنامه ارائه کرد. متن پاسخ «ایفما» را در ادامه بخوانید:

«کانون فیلمسازان مستقل ایران (ایفما) ادعای نفوذ هرگونه جریان سیاسی در این کانون را که در برنامه «پاراگراف اول» توسط یکی از بنیان‌گذاران و اعضای سابق ایفما مطرح شده است، صریحاً و قاطعانه رد می‌کند.

ایفما یک سازمان غیرانتفاعی و غیرسیاسی ثبت‌شده در کشور سوئد است که در نوامبر ۲۰۲۲ و در واکنش به خیزش «زن، زندگی، آزادی» تأسیس شد. اساسنامه این کانون، که پیش‌نویس آن در وب‌سایت رسمی ایفما در دسترس است، ماهیت صنفی و غیرجناحی آن را به روشنی تعریف می‌کند.

از زمان تأسیس تاکنون، فعالیت‌های ایفما صرفاً در چارچوب سه مأموریت اصلی آن انجام شده است: حمایت صنفی از فیلم‌سازان مستقل در ایران و دیاسپورا، افزایش بهره‌برداری تبلیغاتی جمهوری اسلامی از سینما، و انعکاس صدای فیلم‌سازان و هنرمندانی که تحت فشار حکومت ایران قرار دارند.

هیچ حزب، جریان سیاسی یا ایدئولوژی تاکنون بر تصمیمات این کانون تأثیر نگذاشته است. اعضای ایفما را فعالان حرفه‌ای حوزه سینما تشکیل می‌دهند و تنوع دیدگاه‌های آنان خود گواهی بر فراگیر بودن این نهاد است. سوابق حرفه‌ای اعضای شورای راهبردی و مسئولان کارگروه‌های ایفما در وبسایت کانون و سایر منابع عمومی در دسترس است.

این سینماگران، با وجود تفاوت دیدگاه‌ها، حول اهداف مشترک تعریف شده برای ایفما گرد آمده‌اند و به صورت داوطلبانه و بی‌دریغ برای تقویت و ارتقای سینمای مستقل ایران تلاش می‌کنند.

بدیهی است که فعالیت اعضا در شبکه‌های اجتماعی بخشی از حریم خصوصی آنان محسوب می‌شود. تا زمانی که هیچ‌یک از اعضای شورای راهبردی درصدد تحمیل دیدگاه‌های شخصی خود بر کانون نباشند، ایفما نه در محتوای منتشرشده در صفحات شخصی آنان دخالت می‌کند و نه برای آن تعیین تکلیف می‌کند.

همان‌گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد، فردی که با رادیو فردا گفت‌وگو کرده است از بنیان‌گذاران و اعضای سابق ایفما بوده و در مقاطع مختلف حمایت‌های ارزشمند مالی و معنوی از این کانون داشته است. ایفما همواره امیدوار بوده و همچنان امیدوار است که روند خروج ایشان از کانون، که از ژانویه ۲۰۲۶ آغاز شد و با صدور اخطار انضباطی در مارس ۲۰۲۶ به پایان رسید، در چارچوب مناسبات داخلی و حرفه‌ای باقی بماند.

این نخستین بار نیست که یکی از اعضای سابق پس از خروج از کانون ادعاهای بی‌اساس علیه آن مطرح می‌کند. سه سال پیش نیز یکی دیگر از اعضای که به دلایل انضباطی از کانون کنار گذاشته شده بود، اتهاماتی بی‌پایه از جنسی دیگر را از طریق صفحات شخصی خود در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد.

موضع ایفما بر حفظ استقلال سیاسی و برخورد بی‌طرفانه با اعضا، فارغ از شهرت، جایگاه حرفه‌ای یا توان مالی آنان، همواره ثابت بوده است. این کانون در برابر هرگونه ادعای فاقد مدرک، بدون توجه به هویت گوینده، موضعی روشن و قاطع اتخاذ می‌کند.

نسبت دادن اتهامات و برچسب‌های بی‌اساس به یک نهاد غیرانتفاعی و غیرسیاسی ثبت شده در اروپا، آن هم با شیوه‌هایی که یادآور پرونده‌سازی‌های نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی است، می‌تواند پیامدهای حقوقی در پی داشته باشد. مهم‌تر از آن، چنین ادعاهایی امنیت و اعتبار ۴۶۲ عضو این کانون را به خطر می‌اندازد؛ اعضای که دقیقاً به دلیل ماهیت صنفی و غیرسیاسی ایفما به آن پیوسته‌اند.

بر اساس اساسنامه کانون فیلم‌سازان مستقل ایران، مجمع عمومی عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری در ایفماست و هیچ بنیان‌گذار، عضو شورای راهبردی یا مقام دیگری بر آن ارجحیت ندارد.

از مجموع ۴۶۲ عضو ایفما، ۵۳ نفر عضو پیوسته و دارای حق رأی هستند. در مجمع عمومی مورخ ۳۱ مه ۲۰۲۶، تعداد ۲۸ عضو دارای حق رأی، از جمله اعضای مقیم ایران، علی‌رغم محدودیت‌های اینترنتی در انتخابات شرکت کردند و اعضای شورای راهبردی، شورای انضباطی و شورای بازرسی را برگزیدند. همچنین اعضای شورای مشاوران نیز دعوت به همکاری با ایفما را پذیرفتند.

اگر ایفما نهادی جناحی بود، چنین تنوع گسترده‌ای از دیدگاه‌ها نه در میان نامزدها دیده می‌شد، نه در میان مشارکت‌کنندگان در انتخابات و نه در میان مشاوران.

کارنامه ایفما نیز به روشنی نشان‌دهنده پایبندی این کانون به اهداف اعلام شده آن است و خود بهترین پاسخ به ادعاهای مربوط به جهت‌گیری سیاسی آن محسوب می‌شود.

به عنوان نمونه، ایفما در بازار فیلم اروپا در فوریه ۲۰۲۶ پنلی تخصصی درباره چالش‌های پخش فیلم مستقل و موانع پذیرش آثار مستقل توسط بخش بین‌المللی اسکار برگزار کرد. در این نشست، کارشناسان و سینماگران ایرانی و غیرایرانی برجسته به بررسی موضوع پرداختند و همچنین، به حکم وظیفه صنفی، نام فیلم‌سازی که توسط حکومت ایران بازداشت یا کشته شده‌اند برای مخاطبان بین‌المللی قرائت شد.

در ماه مه ۲۰۲۶ نیز غرفه ایفما در بازار فیلم کن با پوستره‌های آثار مستقل ایرانی تولیدشده در ایران، سوئد و امارات مزین بود؛ حضوری که هم فراگیری کانون و هم اعتماد اعضا به آن را به نمایش می‌گذاشت. اعضای شورای راهبردی ایفما در طول این رویداد برای معرفی این آثار به پخش‌کنندگان بین‌المللی کوشیدند.

در بازار فیلم کن امسال همچنین ایفما پنل «هالیوود و کنشگری انتخابی» را با حضور پژوهشگران باسابقه سینما برگزار کرد که با استقبال گسترده مخاطبان مواجه شد.

حمایت صنفی از فیلم‌سازان مستقل ایران تنها به این فعالیت‌ها محدود نبوده و در تمامی فراخوان‌ها، مقالات، گزارش‌ها، پادکست‌ها و برنامه‌های کانون قابل ردیابی است. کمپین‌ها و چهار پنل تخصصی که ایفما طی دو سال گذشته در حمایت از سینمای مستقل برگزار کرد، در نهایت به اصلاح بخشی از مقررات اسکار در ماه گذشته انجامید.

کانون فیلم‌سازان مستقل ایران بار دیگر تأکید می‌کند که ادعاهای مطرح‌شده توسط عضو سابق ایفما در برنامه «پاراگراف اول» فاقد هرگونه سند، مدرک و اعتبار است و صرفاً بازتاب اظهارات غیرمسئولانه یک عضو پیشین به شمار می‌رود؛ عضوی که ایفما همواره کوشیده است حرمت و جایگاه او را به عنوان یکی از بنیان‌گذاران و حامیان پیشین خود حفظ کند.

ایفما با اتکای به رأی و حمایت اعضای خود و با حفظ استقلال فکری و اقتصادی، همچنان به عنوان نهادی مدنی، صنفی و غیرسیاسی به فعالیت ادامه خواهد داد. شورای راهبردی جدید نیز با بهره‌گیری از ایده‌های نو و تلاش مضاعف، مأموریت حمایت بی‌قیدوشرط از فیلم‌سازان مستقل ایران را دنبال خواهد کرد.

هدف ایفما تنها ادعای استقلال و آزادی‌خواهی نیست، بلکه ارائه الگویی عملی از چنین ساختاری است. آغوش ایفما همواره به روی نقد سازنده باز بوده است. این کانون از هر خطای احتمالی و نقد آن درس می‌گیرد، اما در برابر ادعاهای خلاف واقع، برچسب‌زنی‌های بی‌اساس و خصوصاً اقداماتی که امنیت اعضای آن را به مخاطره می‌اندازد، هرگز سکوت نخواهد کرد.

این مطلب بخشی از:

پاراگراف اول

فراتر از خبر

فرهنگ و هنر ایران

بایگانی